

بررسی اهمیت؛ اسباب و آثار وحدت و وفاق در ساحت قرآن و روایات

نوید ابوطالبی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹)

چکیده

وحدت و وفاق از اصول بنیادین در اسلام است که تأثیر عمیقی بر حیات فردی و اجتماعی مسلمانان دارد. لذا با توجه به لزوم جلوگیری از وقوع اختلاف و تشتت در جامعه اسلامی، ضرورت دارد به بررسی اهمیت وحدت و وفاق در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و اسباب اتحاد جمعی و آثار آن پرداخته شود. بدین منظور این تحقیق با روشی توصیفی به تبیین مفهوم وحدت و وفاق؛ اسباب وحدت و اتحاد و آثار آن در ساحت آموزهای قرآن کریم و روایات معصومان (ع) پرداخته و یافته‌ها حاکی از آن است که تحقق وحدت و وفاق نه تنها سبب تحکیم امنیت، حل نزاع‌ها و اتحاد در جامعه اسلامی می‌شود بلکه زمینه‌ساز دستیابی به اهداف عالی انسانی نیز خواهد بود و آثاری همچون ارتقای عزت، خیر و رشد فردی و اجتماعی و تحقق تمدن اسلامی را نیز دارا می‌باشد.

کلید واژه‌ها: وحدت اسلامی، وفاق اجتماعی، امت واحده، اهمیت، اسباب، آثار.

n.abutalebi@stu.qom.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛

۱. تبیین مسئله

وحدت و وفاق در ساحت قرآن و روایات یک موضوع بنیادین و سلسلی است که در ساختار اعتقادی و رفتاری اسلام نقش کلیدی ایفا می‌کند. این موضوع نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی و اجتماعی نیز تأثیرگذار است. لذا علاوه بر تأثیر در کیفیت در؛ متون اسلامی، در نوع تفکر روزمره مسلمانان نیز تأثیرگذار است. وحدت و وفاق در قرآن و روایات به مفهوم وحدت و هماهنگی مسلمانان در اعتقادات، اعمال و رفتارهای خود اشاره دارد. این وحدت نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی و اجتماعی نیز اهمیت دارد. وحدت و وفاق در اسلام به معنای اتحاد و هماهنگی مسلمانان برای رسیدن به اهداف مشترک؛ و دفاع از ارزش‌های اسلامی است. از دیدگاه قرآن و حدیث، وحدت و وفاق به عنوان یک اصل سلسلی معرفی شده است که بدون آن، جامعه اسلامی نمی‌تواند پایدار و پرورش‌یافته باشد. این اصل در متون مقدس اسلام به عنوان یک عامل کلیدی برای موفقیت و پیشرفت جامعه اسلامی مطرح شده است. لیکن علی‌رغم تأکید فراوان قرآن و روایات بر اهمیت وحدت و وفاق، چندین جنبه کلیدی در فهم و میدانی کردن این مفاهیم؛ مبهم و مجهول مانده است، بر این اساس مسئله اصلی این پژوهش، بررسی این پرسش است که: وحدت از منظر قرآن و روایات چه جایگاهی دارد، چه عوامل و بستریهایی زمینه‌ساز تحقق آن هستند، و آثار و ثمرات فردی، اجتماعی و تمدنی آن در حیات امت اسلامی چگونه قابل تحلیل و تبیین است؟ برای پاسخ به این سؤال اصلی، پرسش‌های فرعی زیر نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۱. مفاهیم واژگان کلیدی مانند "وحدت"، "وفاق"، "امت واحده" و "تفرق" در قرآن

و حدیث چیست؟

۲. عوامل و موانع دستیابی به وحدت از منظر متون دینی کدام‌اند؟

۳. چه آثار و ثمراتی در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای وحدت ذکر

شده است؟

لذا این پژوهش با تکیه بر روش تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از منابع معتبر تفسیری و حدیثی، تلاش می‌نماید تا به تحلیل عمیق و جامع از مفهوم وحدت در منابع دینی پرداخته، نقش آن را در تحقق جامعه مومنان و تمدن اسلامی واکاوی نماید.

۲. مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که در متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم و روایات اهل‌بیت(ع)، مورد تأکید قرار گرفته، مسأله وحدت و وفاق میان مسلمانان است که از مفاهیم بنیادین در آموزه‌های دینی اسلام به‌شمار می‌روند و همواره مورد تأکید قرآن کریم و سنت معصومان(ع) بوده است. وحدت نه تنها یک اصل اجتماعی ضروری در جهت حفظ کیان جامعه اسلامی، بلکه آموزه‌ای راهبردی و بنیادین در جهت تحقق اهداف عالی دین اسلام، از جمله عدالت، کرامت انسانی، و پیشرفت همه‌جانبه در تمدن اسلامی محسوب می‌شود. در عصر کنونی که جهان اسلام با چالش‌های متعددی نظیر فراطگرایی، اختلافات مذهبی، قومیتی و سیاسی، مواجه است، توجه به مفهوم وحدت اسلامی و تبیین اسباب و آثار آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

از آنجا که قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع معرفتی مسلمانان و روایات نبوی و علوی به‌عنوان مفسران بیانی کتاب آسمانی، سرشار از دعوت به وحدت، پرهیز از تفرقه و تقابل، و ترغیب به همدلی و اخوت مسلمانان می‌باشد، بررسی و استخراج آموزه‌های وحدت‌آفرین از این منابع، می‌تواند گامی اساسی جهت نظریه‌پردازی دینی پیرامون مقوله وفاق اسلامی باشد.

ضرورت و اهمیت این تحقیق از چند بُعد قابل توجه است:

۱. ضرورت دینی: با توجه به تأکیدات فراوان قرآن و سنت بر وحدت، شناخت ریشه‌ها و پیامدهای آن، قدمی مهم در رستای تحقق آموزه‌های دینی شمرده می‌شود.

۲. نیازهای اجتماعی و سببسی جهان اسلام: شکافهای مذهبی و نزاعهای درونفرقه‌ای، تهدیدی برای امنیت و ثبات جوامع اسلامی تلقی می‌شوند. بررسی علمی سببب وحدت و آثار آن، می‌تواند رهگشای حل بسیاری از منازعات باشد.

۳. پلسخ به شبهات معاصر: در فضای فکری امروز، گاه وحدت به‌عنوان شعاری سببسی یا ابزار ی تلقی می‌گردد. این تحقیق، در پی آن است تا ریشه‌های الهی و وحیانی وحدت را تبیین نموده، آن را به‌عنوان یک راهبرد الهی، معرفی کند.

در سده‌های اخیر، با فزایش چالش‌های فرهنگی، سببسی و اقتصادی در جهان اسلام، تلاش‌های فکری و سازمان‌یافته‌ای برای تحقق وحدت میان مذاهب انجام گرفته است. از این جهت، قمی (۱۳۸۳) در کتاب "وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت" تأکید می‌کند که شرط اول تحقق وحدت، بازخوانی مشترکات دینی و انکار خشونت مذهبی است. همچنین آشتیانی (۱۳۹۲) این وحدت را نه یک تاکتیک موقت، بلکه راهبردی تمدنی برای بازسازی امت اسلامی در برابر تهدیدات جهانی می‌داند.

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی همچون آثار شهید مطهری در مجموعه مقالات "مسئله وحدت اسلامی" (۱۳۶۴)، با مرزبندی دقیق میان وحدت اسلامی و وحدت مذهبی، بر این نکته تأکید دارند که وحدت موردنظر، به معنای انکار تفاوت‌های مذهبی نیست، بلکه بر مدار همزیستی مسالمت‌آمیز، گفت‌وگو و رعایت حقوق مقابل شکل می‌گیرد. بنابراین تا کنون در آثار متعددی به وحدت و اتحاد دینی پرداخته شده است لیکن علی‌رغم گستردگی منابع دینی در این باب، کمتر مطالعه‌ای به صورت جامع، همزمان به تبیین اهمیت، علل و نتایج وحدت در ساحت آموزه‌های اسلامی پرداخته است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ علمی را تا حد ممکن مرتفع سازد.

۱-۲. مفهوم شناسی

۱-۱-۲. مفهوم لغوی وحدت

وحدت در لغت به معنی یکی بودن؛ منحصر به فرد بودن. (معدنی؛ ۳۰۶/۶) یگانگی و

تنهایی و انفراد و یکتایی است. (نقیسی؛ ۳۸۳/۵)

۲-۱-۲. مفهوم اصطلاحی وحدت

اتحاد، اتفاق و پیوستگی نیز از دیگر مفاهیم اصطلاحی وحدت می باشد. (آذرنوش، ۷۳۷) همچنین وَحْدَةُ الْأُمَّةِ به مفهوم اتحاد ملت می باشد. (مهیار، ۹۷۸)

۲-۱-۳. مفهوم لغوی وفاق

وفاق از ریشه و ف ق: (بر وزن فلس) به معنی مطابقت میان دو چیز (قرشی، ۲۲۹/۷) و همسانی میان دو چیز است. (راغب اصفهانی، ۸۷۷) همچنین به معنای الْمُؤَقَّعة نیز آمده است. (مهنا، ۷۵۰/۲)

۲-۱-۴. مفهوم اصطلاحی وفاق

وفاق در اصطلاح به مفهوم تَفَاهُوم و الفت (دارالمشرق، ۱۵۴۶) سازواری و همراهی و یکدلی و یک جهتی ضد نفاق و اتحاد و اتفاق و موافقت و مشابهت و سازش و معاهده است. (نقیسی، ۳۸۷۶/۵) همچنین سازگاری و محبت نیز از دیگر معانی وفاق در اصطلاح است. (دهخدا، ۳۱۳۸/۲) چنانکه عبارت «جَوْ مِنْ الْوِفَاقِ» به معنای «فضایی از هماهنگی» و عبارت «وَفَاقٍ بَيْنَ صَدِيقَيْنِ» به معنای «هماهنگی بین دو دوست» است. (دارالمشرق، ۱۵۴۶).

۲-۱-۵. کلمه‌های مترادف وحدت و وفاق

اتحاد از جمله مهمترین مترادف‌های این دو کلمه می باشد؛ زیرا معانی آنها به یکدیگر مشابه است. چنانکه اتحاد در لغت به یکی شدن و یگانگی داشتن (ابن معروف، ۸۷) یگانگی، وحدت، اتحاد، پیوستگی؛ سازگاری، سازش، توافق، هماهنگی، هم‌رأیی، همسازی، وفاق، موافقت؛ ترکیب، ادغام، آمیختگی؛ هپیمادی، اتفاق (فرهنگ معاصر عربی - فارسی: ۷۳۷) معنی می شود.

و در اصطلاح نیز دارای مفاهیمی چون جمع آمدن برای هدف معینی (مهیبار، ۱۰) اتفاق و سازش. همدمی و مؤانست. رفاقت و دوستی و مودت. و دوستی با صدق و خلوص می‌باشد. (نفیسی، ۸۰)

بنابراین واژه‌هایی همچون «وحدت»، «وفاق»، و «اتحاد» غالباً در برابر «تفرقه»، «شقاق» و «اختلاف» قرار گرفته و تقابل این دو رویکرد، به‌ویژه در آثار دینی، به‌مثابه دو راهبرد کلان در جامعه‌سازی دینی مطرح شده‌اند.

۳- اهمیت وحدت و وفاق در آموزه‌های اسلامی

۳-۱. امر بر پرهیز از تفرقه و پراکندگی در دین

وحدت و اتحاد در حوزه تفکر اسلامی و در چارچوب تعلیم دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است، به گونه‌ای که در آموزه‌های اسلامی بر ضرورت توجه به این مقوله و تلاش در جهت حفظ و تقویت آن در جامعه اسلامی تأکید شده است. همان‌گونه که قرآن کریم اهمیت وحدت و حفظ وفاق میان جامعه اسلامی را چنین مطرح می‌کند:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحٌ ۖ وَالَّذِي إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (الشوری، ۱۳)

برای شما از [احکام] دین چیزی را تشریع کرده است که نوح را به آن سفارش نمود و نیز آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن پراکنده نشوید.

این آیه، علاوه بر تأکید به پرهیز از پراکندگی در دین، بر لزوم و وجوب اتحاد میان ادیان پیشین نیز تأکید می‌نماید و به اهمیت همبستگی و وحدت در حصول و مبانی دینی مشترک؛ میان ادیان مختلف اشاره دارد.

طبق این آیه شریفه، ادیان آسمانی در اصول اعتقادی و توحید هرلستا و هماهنگ هستند، هرچند بر اساس تکامل جامعه انسانی، قوانین جزئی و فرعی در هر دین متفاوت است؛ اما در نهایت، دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و نهایی‌ترین مرحله این تکامل شناخته

می‌شود. این آیه، هدف اصلی پیامبران الهی را که مبارزه با شر؛ و تفرقه‌ست، مطرح می‌کند. در مقابل، مخالفان پیامبران، که به دنبال خرافات، شر؛ و تفرقه‌اند، توحید و وحدت را برای خود مشکل و گران می‌دانند. ستمکاران و سرکشان، عامل اصلی تفرقه‌فکنی هستند و در واقع، ناآگاهی و نادانی آنان، در کنار ستمگری، مانع از تحقق وحدت و توحید در جامعه می‌شود، در حالی که حجت بر آنان تمام شده است و دیگر عذری برای نادانی باقی نمی‌ماند. (رضایی لصفهانی، ۸/ ۲۷۸)

همچنین اهتمام الهی به اتحاد مؤمنان در توجه به رفتار منطبق با احکام دین از دیگر نکات این آیه شریفه می‌باشد.

در آیه ذیل نیز خداوند تعالی با تاکید بر مسیر هدایت و لزوم پیروی از آن؛ از راه‌هایی که سبب تفرق می‌شود نهی می‌فرماید:

«وَأَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الأنعام، ۱۵۳)

و [بگو:] که این راه مستقیم من است؛ پس، از آن پیروی کنید، و از راه‌ها [ی دیگر] پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده کند. این است آنچه [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که تقوا پیشه کنید.

در تفسیر این آیه چنین آمده که اگر همه افراد از دین خدا پیروی کنند و عقیده حق و ایمان را در دل داشته باشند، این امر آنان را متحد و منسجم می‌سازد. همچنین، با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، نشان داده شده است که راه رست خدا همان راهی است که او با دست خود ترسیم کرده است. در کنار این راه، خطوطی کشیده شده است که نشان می‌دهد هر راه دیگری، جز راه مستقیم، ممکن است تحت سلطه شیطان باشد و مردم را به سوی انحراف و تفرقه فرامی‌خواند. این حدیث تأکید می‌کند که راه حق، راهی است که باید با دقت و آگاهی طی شود تا از وسوسه‌های شیطانی و انحرافات جلوگیری گردد و جامعه در مسیر وحدت و ایمان باقی بماند. (مغنیه، ۳/ ۴۴۰)

بنابر این اتحاد مسلمانان در جهت تقوا پیشگی آنان از اسباب مهم و کلیدی فراهم نمودن فلاح فردی و نصرت برای جامعه اسلامی می‌باشد. چنانکه نقل شده که مردی از امیرمؤمنان (ع) در باره «سنت» و «بدعت» و «فرقت» و «جماعت» سؤال کرد و حضرت فرمود: اما مراد از سنت همان سیره و روش رسول خدا (ص) است، و بدعت هر چه آن را مخالفت کند، و فرقت اهل باطلند هر چند بسیار باشند، و جماعت؛ اهل حقند هر چند اند؛ باشند. (ابن شعبه؛ ۲۱۱/۱) معنای حدیث، آن است که خدا تنها با کسانی است که بر محور حق گرد هم آمده باشند و با یکدیگر همکاری کنند، اما اگر بر باطل گرد هم آیند، جز شیطان هیچ‌کس با آنها نخواهد بود. (مغنیه، ۲۰۰/۲)

۲-۳. امر به حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه افکنی

در آیه ذیل بر تمسک جمعی به ریسمان محکم الهی امر شده است که خود گویای اهمیت حفظ وحدت می‌باشد؛ و پس از آن به نهی از پراکندگی امر شده است:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل عمران، ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که دشمن یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت و در سایه نعمت او با هم برادر شدید لا تفرقوا یعنی لا تفرقوا که یکی از دو تاء برای تخفیف حذف شده است یعنی پراکنده نشوید. (خسروانی، ۴۴/۲) پس یعنی دسته‌دسته نشوید و متفرق مشوید مانند اهل کتاب، بلکه متفق الکلمه و مجتمعاً بر ایمان و ثبات در طاعت الهی و تر؛ عصیان اقدام نمائید. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۹۴/۲) پس حیطه وحدت بسیار است چنانکه در اعتقاد و رفتار دینی اتحاد لازم است. چنانکه از امام علی (ع) نقل است که: جماعت را ملازم باشید و از پراکندگی پرهیزید. (آمدی، ۱۵۰)

همچنین آیه وظیفه اصلی مسلمانان تنها ایمان و پرهیز از گناهان نیست، بلکه باید به صورت جمعی و همدلانه از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) پیروی کنند و در این دو

منبع مهم اختلاف نداشته باشند. همچنین، بر اساس آیات قرآن، به ویژه آیه ۶۷ سوره مائده، و روایات متواتر مانند روایات غدیر و روایات ثقلین، مهم‌ترین سنت پیامبر که پایه و اساس وحدت جامعه اسلامی است، موضوع وصایت و ولایت تأکید شده است. این روایات نشان می‌دهند که پیروی از وصایت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) نقش کلیدی در حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی دارد. (حسینی همدانی، ۱۵۶/۳)

مسلمانان باید تا زمانی که پیرو دین، پیامبر و کتاب واحد هستند، این رابطه‌های دینی را که از روابط نسبی قوی‌تر است، حفظ کنند و بر اساس آن رفتار نمایند. همچنین، تقویت رابطه میان پیروان یک دین، همانند تقویت رابطه در یک خانواده یا حزب است و این کار نباید منجر به تعصب و دشمنی با دیگران شود. برعکس، اسلام مردم را به مهریابی و الفت دعوت می‌کند، بدون توجه به دین، اندیشه یا نژاد آنها، و این اخوت اسلامی، همانند تقویت و حمایت از اخوت بشر است. در نهایت، گروه‌هایی که برای رضای خدا و صلاح جامعه جمع شده‌اند، واجب است که با هم همکاری کنند و شورش علیه آنها حرام است، اما تجمع‌های بی‌هدف و بدون نفع، تنها ممکن است باعث کاهش درگیری‌ها و کشمکش‌ها شود. (مغویه، ۲۰۰/۲)

طبق این آیه شریفه اتحاد و ایجاد وحدت و الفت در دل‌های مؤمنان از آیات الهی است و همچنین بر عنایت و اهتمام الهی به اتحاد در جامعه اسلامی نیز اشاره دارد. نکته دیگر پیشینه تاریخی وحدت است که اتحاد اعراب و نقش اسلام در اتحاد اعراب را متذکر شده است بحث کلیدی دیگر منشأ وحدت است که در این آیه خداوند منشأ الفت و محبت میان مؤمنان در صدر اسلام معرفی شده است. همچنین بر رهایی‌بخش بودن نعمت الهی اتحاد برای مؤمنان که شایسته یادآوری و سپاسگزاری است تأکید شده است.

۳-۳. تأکید بر اشتراکات

یکی دیگر از محورهایی که مبین اهمیت وحدت و وفاق در جامعه اسلامی است تأکید

بر وجوه اشتراکی است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ تَعٰلَوْا۟ اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنِنَا وَبَيْنَكُمْ اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اِلٰهًا وَلَآ نُشْرِكْ بِهٖ شَيْـَٔا...» (آل عمران، ۶۴)

بگو: ای اهل کتاب، بیایید به‌سوی کلمه‌ای یکسان میان ما و شما، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم.

قرآن کریم مردم را به نقاط مشترک؛ بین اسلام و اهل کتاب فرامی‌خواند. این نشان می‌دهد که حتی اگر کاملاً در اهداف مقدس با هم توفیق نداشته باشند، باید در بخش‌هایی که مشترک هستند، همکاری کنند و این بخش‌ها را پایه‌ای برای پیشبرد اهداف مقدس قرار دهند. این آیه، اصول و مبانی گفت‌وگوی بین‌پيروان ادیان الهی را مشخص می‌کند، که مهم‌ترین آن‌ها توحید، نفی شر؛ و نفی بردگی فکری و پرستش غیر خدا است. (رضایی لصفهانی، ۱۳۴/۳)

لذا تعالیم دینی جوامع را با حداقل اشتراکات دعوت به بحث و گفتگو می‌کند تا اینکه وحدت و وفاق جمعی حاصل و یا حداقل از پراکندگی و تفرقه جلوگیری شود.

۳-۴. لزوم وحدت و وفاق برای نیل به فلاح

در سلاحت تفکر اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم؛ نیل جامعه به فلاح و ظفرمندی از اهمیت بسیاری برخوردار است و بر این اساس قرآن کریم بر لزوم وحدت و وفاق میان جامعه اسلامی بدین منظور تاکید دارد. چنانکه می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلٰى الْخَيْرِ وَيَسْلُمُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)

و باید از میان شما گروهی باشند که [مردم را] به خوبی‌ها دعوت کنند، و به کارهای پسندیده و ادارند، و از کارهای ناپسند بازدارند؛ و اینان خود ظفرمندند
خداوند پس از دعوت مؤمنان به تقوا، چنگ زدن به حق، و یادآوری نعمت‌های خدا و

شکرگزاری، آن‌ها را به انجام کارهای نیک و بازداشتن از کارهای بد فرمان می‌دهد. مؤمنان باید به عنوان برادران و کسانی که از دشمنی و آتش جهنم نجات یافته‌اند، دعوتگر به خیر و آمر به معروف و ناهی از منکر باشند. چون این وظیفه نیازمند استعداد و آمادگی خاص است، همه مسلمانان نمی‌توانند این کار را انجام دهند، بلکه باید گروهی برگزیده شوند تا از طرف جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر کنند. (داورپناه، ۳۱۳/۶) این خود گویای اهمیت حفظ وحدت در جامعه اسلامی و توجه به وفاق جمعی برای نیل به رستگاری می‌باشد چرا که از پیامبر خدا (ص) نقل شده که می‌فرمایند: جماعت رحمت است و تفرقه رنجش است. (قضاعی، ۸/۱) چنانکه قرآن کریم درباره اهمیت این مطلب چنین می‌فرماید:

بهترین امتی که برای مردم به ظهور رسیده است شماست؛ [چرا که] به کارهای پسندیده و امری دارید، و از کارهای ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند برایشان بهتر بود. بعضی از آنان مؤمنند، و بیشترشان نافرمانند.^۱

۳-۵. محبوبیت الهی وحدت و اتحاد جمعی

یکی دیگر از محورهای اهمیت وحدت و وفاق در سلحمت تفکر اسلامی محبوبیت وحدت و وفاق جمعی در سلحمت خداوند است. چنانکه قرآن کریم محبوبیت اتحاد جمعی و وفاق در برابر دشمن را چنین توصیف می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَا كَانَتْهُمْ يُؤْنِ مَرَّ صَوْصُ» (الصف، ۴)

به رستی خدا دوست دارد کسانی را که صف در صف - چنان‌که گویی بنای ریخته شده از سرب‌اند - در راه او پیکار می‌کنند.

این محبت شامل کسانی است که محکم و استوار هستند، عقبنشینی نمی‌کنند، شکست نمی‌خورند و در مقابل دشمن ثابت قدم و مقاوم هستند. آن‌ها مانند دیواری هستند که

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (آل عمران، ۱۱۰)

اجزای آن به هم چسبیده و محکم ساخته شده است، و از هم جدا و پراکنده نمی‌شوند. این تصویر نشان‌دهنده اهمیت اتحاد و استحکام در مقابل چالش‌ها و دشمنان است. (طیب، ۵۱۰/۱۲) در این خصوص از امیرمومنان (ع) نقل است که می‌فرمایند: دست [قدرت] خدا با جماعت است و پرهیز نمائید از تفرقه و پراکندگی. (سیدرضی، خطبه ۱۱۱) بنابراین اتحاد و انسجام و وحدت است که فرد و به تعبیری جامعه را از پراکندگی بری و آن را مستحکم و متحد می‌سازد. و طبق این آیه شریفه یکی از زمینه‌های اتحاد جهاد در راه حق می‌باشد خواه جهاد نظامی یا جهاد فرهنگی.

۴. اسباب وحدت و وفاق در جامعه

در جامعه اسلامی، ایجاد و حفظ وحدت نیازمند برنامه‌ریزی و اقداماتی است که بتواند زمینه‌های اختلاف را کاهش داده و انسجام اجتماعی را تقویت کند. این اسباب شامل عوامل فرهنگی، آموزشی، قانونی و اجتماعی است که به منظور ترویج ارزش‌های مشترک و تقویت روحیه تعاون و همبستگی طراحی شده‌اند.

لذا اتحاد و هم‌بستگی در جامعه نیازمند اسباب و شرایطی می‌باشد که برای تحقق آن در جامعه اسلامی ضرورت می‌نماید تا به وسیله آن اسباب به این آموزه مهم اسلامی توجه و بر حفظ و اهتمام آن کوشید. همچنین برای رفع برخی اختلافات اسبابی نیازمند است تا آن اختلافات حل و وحدت جمعی حاصل شود. در ذیل به این اسباب پرداخته می‌شود:

۴-۱. تعالیم انبیاء (ع)؛ ایمان و هدایت

قرآن کریم سه سبب مهم برای وحدت و وفاق را چنین مطرح می‌فرماید:

«كَانَ الْإِنْسَانُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأُنْزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ الْإِنْسَانِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعْثًا يَبْعُهُمُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (البقرة، ۲۱۳)

مردم [در آغاز] یک امت بودند. پس خدا پیامبران را به عنوان بشارت‌دهنده و اخطارکننده برانگیخت، و کتابها [ی آسمانی] را به حق با آنان نازل کرد، تا میان مردم درباره آنچه بر سرش اختلاف داشتند حکم کند؛ و جز کسانی که کتاب به آنان داده شد - پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد - از روی زیاده‌طلبی که میانشان وجود داشت هیچ‌کس در آن اختلاف نکرد؛ پس خدا کسانی را که ایمان آورده بودند، به اذن خود، به آن حقی که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد، و خدا هر که را بخواهد به راهی رست هدایت می‌کند.

انسانها [در بدو خلقت] بر یک فطرت آفریده شده بودند [و به آنچه عقل و فطرت حکم می‌کرد رفتار می‌کردند]. (طبرسی، ۱/ ۱۱۶) این آیه متضمن سه مرحله و سه طور تکاملی نوع انسان است: نخست مرحله‌ای که نوع یا اکثر انسانها امت واحده بودند. پس از آن دارای اختلاف شدند یا زمینه اختلاف پدید آمد، سپس پیامبران مبعوث شدند. (طالقانی، ۱۰۸/۲) بنابراین یکی از اسباب اتحاد در جوامع تعالیم انبیاء (ع) می‌باشد. این آیه شریفه همچنین بر اتحاد در جوامع ابتدایی و اتحاد اجتماعی انسان‌های اولیه اشاره دارد و بر مصادیق دیگری همچون ایمان و هدایت به عنوان اسباب اتحاد بعد از پدیدار شدن اختلافات و تفرقه‌ها تاکید شده است.

۴-۲. تبعیت از دستورات خدا و رسول او و اوصیاء آن حضرت (ع)
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلَامِ كَآفَّةً وَلَّا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (البقرة، ۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. همانا او برای شما دشمنی آشکار است.

در تفسیر این آیه چنین آمده: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید به اوامر و دستورات خدا و رسول او تسلیم شوید و نظر و سلیقه و اختلاف نظر را کنار بگذارید. باید به حب‌ل‌الله، که شامل قرآن، اسلام، اطاعت از پیامبر و ائمه و اوصیای طاهرین است، جنگ بزنید و از تفرقه و پراکندگی پرهیز کنید. در غیر این صورت، جامعه دچار هرج و مرج و

تفرقه می‌شود که این وضعیت موجب ضعف مسلمانان و تقویت دشمنان خواهد شد. بنابراین، مسلمانان باید در انجام وظایف دینی خود، از تعلیمات اوصیای معصومین پیروی کنند و راهنمایی‌های آنان را سرلوحه قرار دهند. (دلورینه، ۲۶/۴)

این آیه شریفه بر دعوت الهی به اتحاد با اطاعت از خدا و پیروی نکردن از شیطان تأکید داشته و با طرح اسباب وحدت و اتحاد؛ خداوند را یکی از مهمترین محورهای اتحاد معرفی می‌فرمایند. همچنین اهمیت اتحاد عنایت و اهتمام الهی به اتحاد در جامعه اسلامی نیز از نکات دیگر این آیه شریفه می‌باشد.

۴-۳. اطاعت از پیامبر (ص) و درخواست اذن از آن حضرت

یکی دیگر از اسباب وحدت و وفای اطاعت از پیامبر خدا (ص) و توجه به اذن پیامبر در انجام فعالیت‌های جمعی و عمومی است. چنانکه در این خصوص قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الْأَخِيَاءُ بِلِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَمْعٍ لَّمْ يَأْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الْأَخِيَّةَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الْأَخِيَّةُ يَوْمُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» (النور، ۶۲)

جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که در کاری عمومی با او هستند، تا از او اجازه نگیرند نمی‌روند. بی‌تردید، کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، این‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند.

این اذن برای امور جامع و گسترده‌ای مانند جهاد با کفار و مشرکان، یا امور که نیازمند انجام جمعی و گروهی است، صادر می‌شود. مثلاً امر جهاد، حفر خندق، مشورت در امور، نماز جماعت و دیگر احکام اجتماعی. همچنین، تأکید شده است که اگر اهمیت آن امر واجب بیشتر از اهمیت اجتماع است، به افراد اجازه داده می‌شود، اما اگر اهمیت آن چندان زیاد نباشد و حضور در اجتماع برای انجام آن مهم‌تر است، اجازه داده نمی‌شود. این نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درباره اذن در امور اجتماعی بر اساس میزان اهمیت و

ضرورت آن در جامعه است. (طیب، ۵۶۴/۹) بنابراین اجتماع و وحدت جامعه اسلامی امری مهم و اساسی است و برای تحقق آن؛ توجه به اذن پیامبر و اطاعت از حضرتش برای حفظ و انسجام وحدت در جامعه اسلامی ضروری می‌باشد. چرا که قرآن کریم می‌فرماید: و خدا و پیامبرش را فرمان برید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با صابران است.^۱

این آیه شریفه علاوه بر اشاره به لزوم اتحاد مسلمانان در سلاحت تبعیت از پیامبر خدا (ص) و لزوم وحدت و انسجام در جهاد بر تعبد منطقی نیز به عنوان یکی از اسباب اتحاد معرفی شده است. همان‌طور که آیه ذیل به این مسئله اشاره داشته است:

آنان در صورت همبستگی با یکدیگر هم جز در قریه‌های مستحکم یا از پشت دیوارها با شما پیکار نمی‌کنند. قدرتشان در میان خودشان سخت است. آنان را همدل و متحد می‌پنداری و حال آنکه دل‌هایشان پراکنده است. این بدان سبب است که آنان گروهی هستند که عقل خود را به کار نمی‌گیرند.^۲

صاحب تفسیر المیزان با اشاره به وضعیت منفقین معتقد است که در ظاهر، آن‌ها متحد و منسجم‌اند، اما در واقع دل‌هایشان پراکنده و متفرق است. این پراکندگی و نفاق باعث ضعف و شکست آنان می‌شود. علت این وضعیت، نبود تعقل و خردورزی در میان آنان است؛ اگر آنان تعقل می‌داشتند، می‌توانستند اتحاد پیدا کرده و نظرات خود را یکسان کنند. وی همچنین تمثیلی از حال منفقین با شیطان ارائه می‌دهد که شیطان انسان را تا مرز کفر می‌کشانند ولی پس از فریب دادن او، از او بیزار می‌شود. این تمثیل نشان‌دهنده ناپایداری و فریکاری منفقین است؛ همان‌طور که شیطان انسان را فریب می‌دهد ولی در نهایت از او متنفر است، منفقین نیز در ظاهر همراه هستند ولی در عمق دل‌هایشان پراکنده‌اند. (طباطبایی، ۲۱۲/۱۹) لذا علامه بر اهمیت تعقل و اتحاد واقعی تأکید دارد و هشدار می‌دهد

۱. «وَلْيُغَوِّا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَزْعَمُوا فَتَنَشَلُوا وَتَنْفَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبَرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (الأنفال، ۴۶)

۲. «لَا يَتْلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُّحَصَّاةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَلَسَهُمْ يَنْهَضُونَ شَدِيدَ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (الحشر، ۱۴)

که ظاهر وحدت منلقین ممکن است فریب‌دهنده باشد، اما حقیقت آن چیزی جز پراکندگی و نفاق نیست.

۴-۴. عبادت توحیدی

پرستش خدایوند واحد و عبادت توحیدی نیز یکی از اسباب وحدت جمعی و وفاق در جامعه است؛ چنانکه در آیه ذیل به وحدت پرستش و وفاق در عبودیت خدایوند یکتا در میان امم پیشین اشاره است:

«...قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهِمَا وَحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (البقرة، ۱۳۳) یعقوب به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را خواهید پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم که معبودی یگانه است و ما تسلیم او هستیم.

از گفتگوی یعقوب (ع) با فرزندان‌ش، چنین برداشت می‌شود که: بخش اعظم نگرانی یعقوب (ع) خطر انحراف از توحید عبادی بوده است، نه فقط هراس از انحراف اعتقادی؛ زیرا خطر انحراف از توحید عبادی - چنانکه جریانات تاریخ امت‌ها نشان می‌دهد - همواره از دیگر انحرافات دینی، بیشتر بوده است. (انصاریان، ۳/۳۴۹) لذا گفتگوی حضرت یعقوب (ع) و نگرانی اصلی یعقوب بیشتر مربوط به انحراف در عبادت و توحید رفتاری بوده است، نه فقط انحراف در اعتقاد. یعنی او نگران این بوده است که مردم از مسیر صحیح توحید در رفتار و عبادت خارج شوند، چرا که تاریخ امم نشان می‌دهد انحرافات رفتاری در توحید، غالباً از انحرافات اعتقادی خطرناک‌تر و مخرب‌تر بوده‌اند.

این نکته نشان می‌دهد که حفظ توحید در رفتار و عبادت اهمیت ویژه‌ای دارد و ممکن است فردی از نظر اعتقادی درست باشد ولی در رفتار منحرف شود، که این نوع انحرافات آسیب‌های جدی‌تری بر دین وارد می‌کند. بنابراین، نگرانی یعقوب بیشتر بر روی اصلاح رفتارها و اعمال عبادی متمرکز بوده است تا صرفاً تصحیح باورهای اعتقادی. در مجموع،

بر اهمیت توجه به توحید رفتاری و عبادی تأکید دارد و هشدار می‌دهد که مراقبت از این جنبه‌ها بسیار مهم است، زیرا خطر انحراف در آن‌ها همواره بیشتر و مخرب‌تر است.

همچنین انحراف از توحید عبادی و عبودیت غیر خدا سبب پدیدار شدن اختلافات و نزاع‌ها و به عبارتی خدشه‌دار شدن وحدت جمعی و اتحاد و هرج و مرج در جوامع می‌شود. چنانکه قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید: آری، این راه [و رسم] شملت که راه [و رسمی] یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس مرا پیروستید.^۱

صاحب مجمع البیان می‌گوید: این دین شما یکی است. اصل امت، جماعتی است که در مسیر واحدی باشد. از این دو شریعت و دین را «امت واحده» خوانده است. زیرا پیروان یک دین، یک هدف دارند. برخی نیز گویند: یعنی این پیامبران از خود شمایند. شما باید به آنها اقتدا کنید که آنها اجتماع بر حق دارند. (طبرسی، ۹۹/۷)

و در آیه دیگر چنین می‌فرماید: و همانا این راه [و رسم] شملت، که راه [و رسمی] یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس از من پروا کنید.^۲

بنابراین آیات مزبور خود دال بر اهمیت وحدت و اتحاد می‌باشند و امر بر پیروان عبادت خداوند یکتا به عنوان اسباب اتحاد و وفاق معرفی شده است. همچنین با اشاره بر اتحاد پیروان ادیان پیشین؛ به توحید به عنوان یکی از زمینه‌های اتحاد و به خدا؛ تبتاء و دین به عنوان محورهای اتحاد اشاره شده است.

همچنین ذکر این نکته لازم است که اختلاف در آیین [– قانون] موجب اختلاف در دین نمی‌شود؛ زیرا اصول دینی واحد است. برای نمونه، قوانین کشورهای مسیحی متعدد و متفاوت است اما، همگی دارای یک عقیده دینی می‌باشند. (مغنیه، ۶۱۰/۵)

این دعوت به وحدت و اتحاد و پرهیز از اختلاف و تفرقه پیش از اسلام نیز بوده است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

۱. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (الانبیاء، ۹۲)

۲. «وَإِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (المومنون، ۵۲)

و هنگامی که عیسی با دلایل روشن آمد گفت: به رلستی من حکمت را برای شما آورده‌ام، و [آمده‌ام] تا برخی از چیزهایی را که در آن اختلاف دارید برای شما بیان کنم، پس از خدا پروا بدارید و از من اطاعت کنید همانا خدست که پروردگار من و پروردگار شملت، پس او را پرسید که این راهی لت رلست ولی از میان آنان احزاب اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی درنا ؛^۱

چرا که در آیه دیگر می‌فرماید: و اوست که در آسمان معبود لت و در زمین معبود لت، و اوست که حکیم و دلتست.^۲

و خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

بگو: ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و لباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و [دیگر] پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده لت ایمان آورده‌ایم؛ میان هیچ‌یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما تسلیم [فرمان] او هستیم.^۳

۴-۵. وجود صبر؛ مقاومت و صیانت

از لباب دیگری که وحدت جمعی و اتحاد در جامعه را سبب می‌شود صبر؛ مقاومت و صیلت در برابر دشمن لت؛ این سه رکن علاوه بر اینکه در خود وحدت و وفاق را دارند سبب لت حکام و لتجام وحدت و بایدری آن می‌شود. لذا قرآن کریم خطاب به مومنان می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَصَلِّبُوا وَرَبِّطُوا وَلَقُوا لِلَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» (آل عمران، ۲۰۰)

۱. «وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَأَقْرَأُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْيَوْمِ» (الزخرف، ۶۵-۶۳)

۲. «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ» (الزخرف، ۸۴)

۳. «قُلْ أَمَرَ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَيَعْقُوبَ وَأَلْسَبَاتٍ وَمَا أَوْتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالْيَهُودُ مِنْ رَبِّهِمْ لَأُفَرِّقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۸۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در برابر سختی‌ها] صبر داشته باشید، و [در برابر دشمن] مقاومت پیشه سازید، و [از مرزها] نگهبانی کنید، و از خدا پروا نمایید، باشد که ظفرمند شوید.

در تفسیر این آیه علی بن ابراهیم از پدرش، از ابن ابی عمیر، از ابن مسکان روایت کرد که امام صادق (ع) فرمود: در برابر سختی‌ها پایدار باشید و بر واجبات، صبر کنید و از حدود پیشوایان دفاع کنید. (بحرانی، ۱/۷۳۰)

همچنین در تفسیر غریب القرآن آمده است: یعنی ثبات قدم و پابرجا باشید. (زید بن علی؛ ۱/۹۰) لذا پایداری؛ ثبات قدم و استقامت در جامعه با وحدت و اتحاد جمعی حاصل می‌شود. چنانکه در آیه دیگر می‌فرمایند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی [از دشمن] برخورد کردید استوار باشید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که ظفر یابید.^۱

۴-۶. توجه به حفظ وفاق و مودت میان مومنان

یکی دیگر از محورهایی که وحدت و اتحاد جامعه به آن بستگی دارد و به عبارتی سبب آن می‌شود؛ توجه به تحکیم پیوندهای اجتماعی و ارتباط برادرانه و خواهرانه میان مومنان می‌باشد. قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلََّا تَجَسَّسُوا وَلََّا يَغْتَابَ بَعْضُكُم بَعْضًا» (الحجرات، ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید؛ زیرا برخی گمان‌ها گناه است، و تجسس نکنید، و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنند؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ [هرگز!] پس [همان‌گونه که] از آن کراهت دارید، [غیبت برادر خود را نیز نکنید که آن مانند خوردن گوشت مرده اوست]، و از خدا پروا بدارید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاغْلُظُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الأنفال، ۴۵).

غیبت سبب ترور شخصیت غیبت شونده، از بین رفتن حرمت افراد، ایجاد اختلافات اجتماعی، سست شدن پیوندهای اجتماعی و از دست دادن سرمایه‌ی تعاون و اعتماد عمومی و در نتیجه سبب تضعیف وحدت جامعه، منتشر کردن بذر کینه و دشمنی در بین جوامع و در نهایت، ایجاد درگیری‌ها می‌شود. (رضایی لصفهانی، ۲۷۰/۱۹)

همچنین خداوند متعال در آیه بعد بر وحدت و اتحاد همه جوامع انسانی تأکید داشته است و می‌فرماید: «...إِنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (الحجرات، ۱۳)

این آیه، فراخوانی از سوی قرآن کریم به تشکیل یک امت انسانی و جهانی واحد است که عدالت و محبت آنان را جمع آورد. لذا اگر آن وحدت انسانی فراگیر که قرآن بیش از ۱۳۰۰ سال است بدان فرامی‌خواند تحقق نیابد، به رسمیت شناختن ارزشمندی انسان، جوهری بر روی صفحه کاغذ و نظرگاهی بیش نخواهد بود. (مغنیه، ۲۰۸/۷)

۵. آثار وحدت و اتحاد

بعد از شرح اهمیت اتحاد و وفاق در جامعه و احصاء اسباب وحدت و انسجام در ذیل به آثار وحدت و وفاق اشاره می‌شود؛ چنانکه قرآن کریم به ارزش اتحاد چنین اشاره می‌فرماید: «أَلَا خَيْرٌ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء، ۱۱۴)

در بسیاری از نجوهای آنان خیری نیست؛ مگر کسی که [در نجوایش] به صدقه یا به کاری پسندیده یا اصلاحی میان مردم فرمان دهد. و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی اجری بزرگ به او خواهیم داد.

لذا تأکید بر فرمان به صدقه یا رفتار پسندیده یا اصلاح ذات‌البین علاوه بر اشاره به ارزش اجتماعی اتحاد و وفاق بر آثار وحدت و اتحاد که توجه به یاری‌رسانی به دیگران، بخیرخواهی برای غیر و حل مشکلات نیز اشاره دارد؛ زیرا اینها جز در سلاحت

اتحاد و وفاق میسر نمی‌شود و بلکه در صورت تفرقه و اختلاف به اینها نیز بی‌توجهی می‌شود. تفرق همچون جاهلیت سبب محاربه و مقاتله با یکدیگر و سبب زوال محبت و الفت می‌شود. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۹۴/۲) پس امر به وحدت و اتحاد از آن سبب است که با ایجاد اختلاف در میان خود از حق جدا نشوید، چنان‌که «یهود» و «نصاری» با هم اختلاف کردند و منفرّق شدند. مشرکان عرب نیز به سبب اختلافات و نزاع در جاهلیت به یکدیگر تعدّی و تجاوز می‌کردند، به طوری که جنگهای میان «لوس» و «خزرج» میان آنان بسیار پر دامنه بود تا آن که خداوند به وسیله پیامبر اسلام (ص) میان دلهای آنان الفت ایجاد نمود و کینه‌های گذشته را از میان برد. (طبرسی، ۱۹۴/۱)

بنابراین خداوند معال پس از دعوت به اسلام، دعوت به اتحاد و یگانگی می‌کند و دستور می‌دهد که همه افراد مسلمان به طور اجتماع و همدستی از قرآن کریم و از سنت رسول اکرم پیروی نمایند و همچنین نعمت الفت دادن میان دلهای را به یاد مسلمانان می‌آورد که چگونه در گذشته با هم دشمن بودند ولی خداوند معال به واسطه اسلام و ایمان دلهای آنها را به هم مربوط ساخته و میان آنان یگانگی برقرار نمود و به جای دشمنی جاهلیت دوستی در دلهای آنها ایجاد نمود و در تحت لوای یکتاپرستی جمع شده و پیامبر را درباره نشر احکام الهی یاری نمایند. چنانکه می‌فرماید: و همگی با هم به ریسمان خدا و به قرآن مجید و ائمه طاهرین (ع) چنگ بزنید و پس از دخول به اسلام متشتت نشده و منفرّق نشوید و نعمت بزرگ و بخشش خدا به شما را به یاد آرید هنگامی که دشمنان یکدیگر بودید و خدا به وسیله پیغمبر اکرم و به نعمت اسلام در دلهایتان الفت و دوستی فکند. (داورپناه، ۳۰۷/۶) بر این اساس تقریب دلهای مودت و الفت از آثار وحدت و اتحاد در جامعه است که زمینه ساز نشر دین و احکام الهی نیز می‌باشد؛ چرا که خداوند در آیه ذیل برای اهمیت و لزوم نهی از تفرقه و اختلاف در دین می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعَ الْأَسْتَمِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ تُدَمُّ بِبَيْنِهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (الانعام، ۱۵۹)

کسانی که دین خود را پراکنده کردند و گروه‌گروه شدند، تو نسبت به آنان هیچ مسئولیتی نداری. کارشان فقط با خدایت، سپس آنان را از آنچه انجام می‌دانند با خبر خواهد ساخت و در همین خصوص در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ...» (النساء، ۱۱۵) و هر کس، پس از آن‌که حق برای او آشکار شد، با پیامبر مخالفت کند و از راهی غیر از راه مؤمنان پیروی نماید، او را به همان حالی که خود خولسته است وامی‌گذاریم، و به آتش دوزخش می‌سوزانیم.

بنابراین شکستن اتحاد امت زمینه‌ی عذاب و خروج از ولایت الهی است و اتحاد مؤمنان در پیروی از پیامبر (ص) دارای اهمیت بسیار می‌باشد.

اما راز اینکه به مسئله اجتماع و اتحاد امت اسلامی، این همه/همیت داده شده، آن است که پراکندگی مایه تبهکاری است و ملت پراکنده شایستگی رشد و نمودارد چه رسد به اینکه ملت‌های دیگر را به خیر و و رشد فراخواند اما با اینکه آیات و روایات بسیاری مسلمانان را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کنند، آنان به گروه‌ها و احزاب مختلف پراکنده شده‌اند و حتی تعداد گروه‌های مسلمان آن‌گونه که در حدیث معروف آمده است دو گروه بیشتر از گروه‌های یهود و یک گروه بیشتر از گروه‌های نصارا می‌باشد در حدیث دیگری از پیامبر (ص) آمده: «شما دقیقا گام به گام و نشان به نشان، سنت کسانی را در پیش خواهید گرفت که قبل از شما بودند» پرسیدند: یا رسول الله! آیا منظور شما یهود و نصاراست؟ حضرت فرمود: «پس چه کسی مقصود من است؟ شما ریسمان اسلام را پاره پاره می‌کنید» در کتاب الجمع بین الصحیحین تألیف حمیدی، در حدیث شماره ۱۳۱ نقل شده است: «در مسند انس بن مالک روایتی است که همگی بر آن اجماع دارند و آن اینکه رسول خدا (ص) فرمود: در کنار حوض از کسانی که مرا همراهی کرده‌اند، مردانی بر من وارد می‌شوند تا اینکه آنان را می‌بینم و آنها با حالت اضطراب، به طرف من رو می‌کنند من عرض می‌کنم: پروردگار! اصحاب من به من گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که آنان پس از تو چه بدعت‌هایی

کردند». (مغنیه، ۱۲۷/۲)

برسایس آنچه نقل شد وفاق سبب رشد و نمو جامعه و ترقی افراد جامعه را فراهم ساخته و تفرقه و اختلاف جوامع را رو به زوال می‌نهد.

نتایج مقاله

۱. وحدت در قرآن و روایات امری کلیدی معرفی شده است، زیرا از لوازم رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی می‌باشد.
۲. مهم‌ترین ریشه تفرقه را، قرآن در پیروی نکردن از خدا؛ پیامبر و مجموعاً بی‌توجهی به دستورات دینی و تعصب‌ورزی می‌داند.
۳. آموزه‌های اسلامی؛ ایمان؛ عبادت توحیدی؛ هدایت‌مندی و تبعیت از تعالیم انبیاء (ع) را از اسباب اتحاد و وحدت معرفی می‌کند.
۴. آثار وحدت شامل تحکیم امنیت، حل نزاع‌ها؛ ارتقای عزت؛ خیر و رشد فردی و اجتماعی و تحقق تمدن اسلامی است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه مرکز فرهنگ قرآن.
۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، به تصحیح رجایی، مهدی، غرر الحکم (تصحیح رجایی)، قم: دار لکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، قم: دارالعرفان، ۱۳۹۸.
۵. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، به تصحیح غفاری، علی اکبر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۳۶۳ ش.
۶. ابن معروف، محمد بن عبد الخالق؛ علوی نصر، رضا. فرهنگ کثر اللغات، تهران: مکتبه المرتضویه، بی‌تا.
۷. داورپناه، ابوالفضل. انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ دلوودی، صفوان عدنان. مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲/۹۹۲ ق.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۱. زید بن علی، ترجمه تفسیر غریب القرآن، تهران: فراهانی، ۱۳۸۸.
۱۲. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم.
۱۳. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: مبقات، ۱۳۶۳.
۱۴. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبوعات، ۱۳۵۲/۹۳ ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع، تحقیق از واعظزاده خراسانی و دیگران، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. همو، مجمع لیبیان، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. طیب، عبدالحسین. اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹.
۱۹. قضاعی، محمد بن سلامه. شهاب الأخبار، قم: سازمان چاپ و نشر، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۲.
۲۰. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۸، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۰.
۲۲. معلوف، لوییس، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت: دار المشرق، ۲۰۰۰.
۲۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۲۴. مدنی، علی‌خان بن احمد. لطراز الأول و الكنز فی لغة العرب، مشهد مقدس: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۴.
۲۵. مهیار، رضا. فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۶. مهنا، عبدالله علی. لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. نفیسی، علی اکبر. فرهنگ نفیسی، بی‌نا، بی‌تا.